

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## اخلاق ۸

آزمون اول از حدیثهای ۱۹، ۲۰، ۲۱

آزمون دوم از حدیثهای ۲۲، ۲۳، ۲۴

آزمون سوم از حدیثهای ۲۵، ۲۶، ۲۷

خلاصه حدیثهای ۲۸، ۳۰

خانمها:

۱. ابوالقاسمی
۲. طوبی پارسازاده
۳. منصوره توکلی
۴. زهرا حقیقت
۵. هانیه سادات خلیلی فر
۶. حبیبه شریفی
۷. سمیه صمدی

ابوالقاسمی

- ۱- تعریف غیبت از نگاه شهید ثانی چیست؟
- ۲- رد غیبت را که یکی از حقوق برادر مؤمن بر ماست توضیح دهید؟
- ۳- شرک خفی را تشریح کنید؟
- ۴- ملاک ارزش در خلوص عمل را توضیح دهید؟
- ۵- انواع شکر را توضیح دهید؟
- ۶- در بیان امام صادق (علیه السلام) شکر کامل و تمام چیست؟
- ۷- آیا خوف از مرگ با کراهت مرگ متفاوت است، فرق این دو را بنویسید؟
- ۸- دلیل این که وسواس از القائنات شیطانی است، چیست؟
- ۹- توجه به سیره علماء چگونه وسواس را درمان می کند؟



1) غیبت را تعریف کنید؟

تعریف غیبت کسی که پشت سر دیگری چیزی پتھان را بگویند که اگر بشنود ناراحت شود که اگر راست باشد غیبت است و اگر دروغ باشد بهتان و تهمت است.

2) شکر را تعریف کنید. و انواع آن را توضیح دهید؟

تشکر عبارت از قدردانی از منعم که آثار آن در قلب به صورت خضوع و خشوع و محبت است که در زبان به حمد و ثنا و در جوارح به صورت طاعت و عبادت است که بر سه قسم است شکر قلبی که تصور نعمت است شکر زبانی که ثنای صاحب نعمت است و شکر به اعضا که مکافات نعمت است.

ما تیره ابوالقاسمی درس اخلاق 8 حلاصه دروس ۲۲، ۲۳، ۲۴  
 ۱۱ حدیث درباره کراهت از مرگ بنویسید (با روایت)

مردی نزد ابوذر آمد و پرسید: ای ابوذر! ما و حبیبت که از مرگ  
 خندانیم آیا می‌گفتی: بچین تا دنیا را کنار و آخرت را  
 فراب گردیم، این است که دوست نداری از آن آدمی؟  
 فرمود: نه، من گفتم: هر قدر شما را در خدا چگونه می‌بینی؟  
 گفتم: بنویس کار از شما مثل غایبی است که برخاسته و او را  
 می‌شود، اما بکار از شما مثل نذر گریزان است که به سوی  
 مولایش بازگرداند، می‌شود، پرسید: حال ما و تیره خدا چگونه  
 می‌بینی؟ گفتم: اعمال خودمان را بر حسب عمره داریم، خداوند  
 می‌فرماید: بنویس کاران در نهمه دیدان در دوزخند، پرسید:  
 پس رحمت خدا کجاست؟ گفتم: بنویس کاران نزدیک است

۱۲ انواع خوف و کراهت از مرگ را بطور مختصر توضیح دهید  
 مردم در این امر از مرگ ترسند یا از آن کراهت دارند و قائلند  
 به جنبه آن هم متعادت است، ابوذر، حال متوسلین را بیان  
 کرده، اما حال باقیان و کاملان را، انصاف بیان کنیم

خبر داد

۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵

ایچ ایم ایف مقصد از مرگ من ترسیم و خوشلان غم آید برای آن است  
 که انسان به حسب فطرت و سرشت، بقا و زندگی در دولت دارد  
 و از نادوی بزار است پس آنچه که با من دانند، بر آن علاقه دارد  
 و از سابل آن بزار است ما چون به عالم آخرت و جهات  
 و بگای ابدی ایمان و اطمینان نداریم ایچ ایم ایف علاقه مندیم و از مرگ  
 گریزان

اما خوف و گراهت متوسطان که بر آخرت ایمان ندارند، برای

آن است که در میان مومنین و کافرین است و از تکریم آخرت

غافلند از این جهت میل ندارند از محل آباد به دیار غیر منتقل شوند

ایچ نیز از نفس ایمان و اطمینان است

۳ جویندگان علم چند دسته اند و توضیح دهید

طلب کنندگان علم سه دسته اند، پس آنان را مشخص و شناختن

شناساس، گروهی آن را برای محل و جبال و طلبند ۴ صفتی آن

را برای برتری حوی و عزیز دارن می طلبند ۵ دیگر گروه هم برای

دانش و پیشرفت می طلبند

۴ اهداف تحسین علم صیبت ۹

شرط اول تحسین علوم و تصفیه نفوس و اخلاص نیت می دانند  
و به علم آموزان توصیه می کنند برای همین است که خداوند فرموده است  
تقوا به از منیزا از تعلیم الهی دانسته است. چون نتوان، صفای  
نفس می دهد و آن را به تمام معنی سدس مرتبط می سازد.  
پس کاتبان علم یا مقصدشان الهی است یا نفسانی دوگردد  
که حضرت صادق علیه السلام بیان کرده اند و مقصدشان را براد و جواد

است یا برتر و طلب بر فرید دارن، حدیث نسیان دارند و از اصحاب  
عجالت و ارباب منالند اما امواتی که فرمودند: کسی که علم  
را با خاطر منفعت دنیوی اراد کند، در آخرت برای او لایه ای نیت  
دگی که با آن آخرت به خواهد  
خداوند فرید دنیا و آخرت را به او عطا می فرماید

۵ اقسام علم را بنویسید ۲۱۹ برید ۹

۱- حکمیه، ۲- فزیه عاده، ۳- سنت قائمه انشاء السوار یا واجب این  
یا سنت پا برجام و غیر از این ها زیادی است

مجموعه سوال دروس ۲۲، ۲۳، ۲۴

خبر داد

Appointments

۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱
۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲
۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳

۶

ترتیب عاده و سنت قائمه را تقریب کنند

ترتیب عاده عبارت است از علم اطلاق و تصفیه تلو

سنت قائمه عبارت است از علم ظاهر و علوم آداب قالی

مذته سوال درس ۲۷، ۲۶، ۲۵

۱

حدیثی در مورد شکر و سواست بنویسید؟

نزد امام صادق (ع) از مردی یاد کردم که مبتلا به سواست

در روضه و نماز بود گفتم: او مردی عاقل است. حضرت امام

صادق (ع) فرمود: او چه عقلی دارد، در حالی که از شیطان بریده است

گفتم: چطور از شیطان الهامت می کند؟ فرمود: از او پرسیدم

برای او بیدار شود از صبح؟ خواهد گفت از کار شیطان است

۲

علامه درویش را به طور مختصر توضیح دهید؟

در مان عقلی آن توجیه باورن است که یاد شد و نظر در این

عقلی را که می خواهد انجام دهد و مورد رهنمای خدا قرار گیرد

کیفیت آن را از آن گرفته و آموخته است، مردم عادی از فقرا و

مراجع می آموزند و فقرا از قرآن و سنت و روش های اجتهادی، در کتب

فقرا و مراجع می آموختند از عمل و سواست نگهش شده آیات



### فاطمه ابوالقاسم

و روایت هم کار آدمی از شیطان بدانند انسان عاقل اگر  
 شیطان بر نفس مسلط نشود. این باور با تامل و تفکر است از این  
 عمل بردارد و عمل خود را تصحیح کند تا مورد رضای خدا باشد

۱۳) سلوک راه علم و سلوک راه بهیبت را به طور مختصر توضیح دهید و بفرمایید  
 که کجاست بر صند مسم است

۱۲ علوم انسانی یا از قبیل علم به خدا و معارف است، یا از قبیل علم  
 به تحذیب نفس است، یا از قبیل آداب و سنخ زندگی، تقویر عالم  
 آخرت نسبت به این سه امر است، پس کجاست هم سه قسم می شود

۱۴ کجاست ذات، کجاست صفات و کجاست اعمال  
 این صفت که جامع آداب و سنخ آدمی است. اگر کسی به تقویر معارف

الهی و صبرها می نپردازد، به بهیبت ذات و بهیبت دیدار نمی رسد  
 و اگر به تحذیب نفس و درون نپردازد و دلش کجایی نگردد اسلام و عقاید  
 خدا نشود، به کجاست اسما و صفات که صفت متوسط است بخمارسد  
 دیگر به زندگی نپردازد و اعمال و مرکباتش مطابق شرع نباشد به کجاست

اعمال نائل نمی گردد

### خرداد

### Appointment

۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	ع
۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	س
۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳	د
۱	۲۵	۱۸	۱۱	۴	س
۲	۲۶	۱۹	۱۲	۵	ع
۳	۲۷	۲۰	۱۳	۶	س
۴	۲۸	۲۱	۱۴	۷	ع

۴

### فصلیت عالم بر عابد و شرح دهد

حقیقت علم و ایمان، نور است. این نور به حسب مراتب علم و ایمان  
 مراتب دارد در آن عالم به مقتضای فعالیت نفس به صورت  
 نور حتی نفوذ می کند و همین نور است که صراط را روشن می نماید.  
 نور عده ای مثل نور سید است، عده ای مثل ماه، تا برسد به کسی  
 که نورش فقط جلوی پایش را روشن می کند این یک صفت است  
 و تا که در خود عاریت هستیم، صفت را از مجاز نمی شناسیم  
 نور عالم نیز رنج منی است در این عالم دل های تاریک را روشن و  
 صیانت می نمایند در آن عالم نیز به سبب آن احاطه نوری شفاعت می کند  
 عبادت بدون علم صورت نمی گیرد پس عالم هم نور مخصوص خود  
 راه دارد منرا نور عابد فقط

شهادت آیت الله سعیدی به دست امیران مستشاران بهایوی (۱۳۳۹ هـ.ش) - روز جهانی منابع دست

### خودش را روشن می دهد و زیر پایش را روشن می سازد

۵

### تفریح و خفا را تعریف کنند

(تفریح) برای چیزی، یعنی همه دست خود را صرف آن کردن و به کار  
 دیگر نیز داخل، تفریح و فارغ شدن دل برای عبادت  
 یعنی دل را از هر چیزی جز عبادت خدا خالی کردن  
 (خفا) به معنای پنهان شدن است در استخفا و مقابل فتح یعنی پنهان

۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱
۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲
۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳
۳۵	۱۸	۱۱	۴	
۳۶	۱۹	۱۲	۵	
۳۷	۲۰	۱۳	۶	
۳۸	۲۱	۱۴	۷	

۶) راه حضور قلب چیست ؟ توضیح دهید ؟

نیم اسرار عبادات راه حضور قلب است ، حضور قلب در

عبادات با تقسیم اهمیت و اسرار عبادات ، قلب است . هر یک

از اعمال نیک و عبادت ما صورتش باطنی و مملوئی در قلب باید دارد

و آیه در محالم برزخ دخیبت صبا نرا ، همان است . ذکر عبادت اعمال

فاده تقیر و بنای است صحت از امام صادق علیه السلام است

که فرموده است کسی که نمازها را در اول وقت و با رعایت

حدودش به جا آورد ، نرسد آن کار در حاله که سفید و پاکیزه است

به سوره آسمان بالا سرود در حاله که آن نمازها گوید : خداوند تو را

نگاه دارد آن گونه که مرا نگاه داشتی نرسد نرسد مرا و دیده گرفت

و کسی که آن را با جهت بدار وقت و بدون رعایت حدودش

به پا دارد ، نرسد آن را در حاله که سیاه و تاریک است با نامها بود

و آن نماز بر سر او زیاد هر چند مرا ضایع کردی ، خدا ضایع کند

آن گونه که مرا ضایع کردی و خدا تو را مراعات کند آن گونه

که مرا مراعات کردی .

حرداد

Appointment

۱	۲۶	۱۵	۸	۱
۲	۲۷	۱۶	۹	۲
۳	۲۸	۱۷	۱۰	۳
۴	۲۹	۱۸	۱۱	۴
۵	۳۰	۱۹	۱۲	۵
۶	۳۱	۲۰	۱۳	۶
۷	۱	۲۱	۱۴	۷

۱] عند الحائنه در گمراهی موت را ترفیف کند

گمراهی موت : حین رادی موت در مقام یا لایق است تصور کرده

از این جهت گمراهی از موت را گمراهی از لایق است تصور کرده

و آن سوال در نموده است حضرت هم جواب داد که مطلق گمراهی

میزان نیست، بلکه میزان، وقت مردن مشاهده آثار عوالم دیگر است

عند الحائنه : معتقد وقت احتضار دیگر است، چون آثار آن همان

در عیان مشاهده میکنند و چشم نمیبیند بلکه کشف میشود

در بعضی از آثار و اعمال و احوال خویش در مریبند

۲] کشف احوال غیب در وقت مردن چگونه است با توضیح حدیثی

در وقت مردن، بر طرف از سمات و احوال انسان بر خودش آشکار

من شود. انسان تا وقتی به این عالم مشغول است در سرسختی

طبیعت و تخریب کفوت و غیب است، از عبود اعمال و اخلاق

خود محبوب است و تر نشاء و برگ بر او وارد شود دانند

از این نشاء بردن آید، اگر اهل ایمان و پیغمبر باشد، و هم قلیش

به آن عالم متوجه میشود و در کلمات الهی او در آن عالم سخن میگویند

مقتضای ادبایست معصوم علیهم السلام هنگام جان دادن بزم

و اهل دل و دلالت حضرت امیرالمؤمنین او متفکرین به دلیل

است حضرت علم مصدق (ع) (ص ۵۷)

بر داد

۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱
۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲
۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳
۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۴
۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۵
۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۶

حضرت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام رسول خدا و حضرت علی علیهم السلام و اهل بیت و سایر  
 و حضرت و سایر نبی بر این است که حاضر باشند و در سند حضرت رسول (ص)  
 ملک الموت حاضر باشند که با او بیعت و مدارا رفتار کند و او بشارت هم نشانی  
 پاییز و آنکه بدهد و به آرزایان او آید و هیچ از دفع نیز درسی از  
 درک و لذت از قبرش؛ روی لاگشود می شود

اما دستا برزگ کند و ده دهنم اهل بیت را هر که ملک الموت را بویخت  
 رفتار کند و او را مردد به جهنم رانند و دهد و با نسیه حاشی که می آید  
 در دنیا از قبر او به دوزخ گشت و در کالود

۳۳ مفاد دروغ صیت

در ذمیه دروغ از نظر عقل و نقل زینت است و از نگاهن گیری به نگاه مایه بود

روز چهارشنبه روز تکمیل جهنم است و در آن حضرت امام حسین علیه السلام در روز چهارشنبه شهادت یافتند

نگاه هم نگاه دیگری بر آن  
 است هر شود که زینت و شادمانی  
 گفته از آن است نگاه آگهی

بسیار دروغ اعتبار انسان نزد مردم ضایع می باشد که تا آخر عمر جبران  
 نمی شود

خداوند قفل های برای شراب قرار داده و کلید آن قفل که ما شراب قرار

تذکره حضرت امام علی (ع) در روز شهادت (۱۳۳۳ هـ. ق) شهادت سرور از ائمه اسلام مبارکین علی بن ابی طالب (ع) و مدینه (۱۳۳۳ هـ. ق)

داده و دروغ بود از شراب است

حرف داد

۱	۸	۱۵	۲۲	۲۹
۲	۹	۱۶	۲۳	۳۰
۳	۱۰	۱۷	۲۴	۳۱
۴	۱۱	۱۸	۲۵	
۵	۱۲	۱۹	۲۶	
۶	۱۳	۲۰	۲۷	
۷	۱۴	۲۱	۲۸	

طوبی پارسازاده



۱ عین را از نگاه (مفهوم) تعریف کنید

عین اول چیزی هست که در عرف نفس بعین - بنا بر و عین عین خود - بدان سبب و در حال عین لرزش  
عین را آن نسبت به صند که در صورتی که بدانند عین را اصی چون مسینه عین علاوه بر ذاتی نفس معلنه  
با نفس استاره در آن و هر کاری که باعث سبب هدیه از سبب که باطل است و در آن

۲ علاج عین چیست توضیح دهید

۲ راه حل دارد یکی علمی و دیگری عملی

راه حل علمی آن به این صورت است که فرد با آثار و خواسته‌هایش و معاصیه با آثار به عین مقابله کند  
آثار که عین داده است که افراد احساس می‌کنند را نسبت به آن مقفول عین نشده از دست می‌دهند و موقع مرت  
در راه مقابله بود وقتی نسبت به معاصات او بنا و جانهاش نگاه کند دچار نفس نسبت به ضلالتش و این خود باعث  
می‌شود که امر برگ با جانیت نفس و دشمنی نسبت به خدا از دنیا برود

راه حل عملی آن است که فرد نسبت به کارهای که در گذشته کرده از عین باز نگردد هر چیز نسبت است اما  
بعد از مدتی راحت می‌شود و کار فرد خود را نسبت به آن می‌داند

۱ ملاک در ارزش عمل و ثبوت عمل است یا خلوص عمل؟

ملاک این نیست که چه کنی بی‌شعور یا کار را انجام داده عین آن و چشم نسبت به آن نسبت آن ملاک است و این ملاک  
در بهترین کار انجام داده و در است برین کار ترس از خدا دانستن - نسبت با و وقت نسبت است - اینم خواهی جز  
پس خود ندیده بی

۲ پس از عمل غیر خوبتر یا پس می‌آید؟

ممکنه انسان در حالتی کاری را انجام می‌دهد او به موقع حالتی از ریا - کبر و عین نفس با شسته و بی شعور که معصوم  
اند که فرد بر آن کار مدارت داشته باشد و بعد از آن فرد دچار ریا نشود و کار خود را بی غایه کند  
شد نسبت به کار غیر انجام می‌دهد بعد از آن ذکر می‌کند که ای کار را اینم راه کار غیر آن برای فرد معصوم بعد از آن

فرد معصوم هستی آن را یاد کند و زبان بیاید و در برای او ریا نویسنده می‌شود  
• روز امور تربیتی و تربیت اسلامی



۱ نتایج دعاها را از چه عارضاتی بداند؟

فتح قریب - فتح مسین - فتح مطلق

در فتح قریب در مقام حسن روشن باشد و شاکه آن آمرزش می شود. در فتح مسین ابواب رانها می رود و آن را در صورتی که علاوه بر نماز خواندن شسته بر او آب می ریزند می شود در فتح مطلق از مقامات بسیار اطلاع پیدا می کند و افراد را اولاد شفاعت می کند.

۲ در بیان اسم صادق شکر نامل و عام چیست؟

کسی که خدا را حمد می کند، شکر یا آورده هر چند او نیت صلیحی نداشته باشد. گاهی شکر نامل یا رحمت از عالم کردن است و خود این شکر باعث آنرا می شود در حدیثی از امام صادق هست  
فردی که آب می نوشد و با اسم الله شروع می کند و مکتبی می کند و عارف را عیب می کشد و دوباره خدا را حمد می کند  
می نوشد و دوباره مکتبی می کند و خدا را حمد می کند و بعد می نوشد. خداوند عیب را برای این فرد واهی کرده

صحبی با پسر زاره

• روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی - روز مهندسی





۱ آیا خود از برگ با برگ برگ متفاوت است؟ فرق این چیست؟

خوب برگ نوعی ترکیب در برگ عقیق و غیره می خرد است برای کارهایی که انجام داده که آیا مورد قبول صیغه است  
رئی در صفت از برگ در خصوص کسانیت که از ملبوس و نشانی در این دنیا بدیشان می آید و برگ خورای آنه

۲ عرقه و مورد شکوگانان و نه کاران به چه صفتی در این کتبونه است؟

قبولاران مثل کسانیت که در حاکمان و خورشیدان و در این می شوند ولی نه کاران از خدای خردگرز الله یا صراحتی است  
که در اینها و در اینها و در اینها را اینها قبول کاران و نه کاران را اینها می سخند و تویی شکوگانان  
در بهجت و در کاران در کتبونه است و عقیق از بهجت خدا بر صیغه می شود می گوید که بهجت من شکوگانان نزد الله

۱ آموختن علم برای حل و مراد چیست؟

اینگونه افراد علم برای عمل کردن مقصدی گفت و گو می کنند در این علم مردان با گفت و گوی دانش و  
توصیف و درباری است این افراد در ظاهر غریب و غریبی هستند در بهجت خالی از هر چیز کارهایی که در اینها

۲ اوصاف آنکه علم را برای تعقیب و تعقل می آموزند در چیست؟

کسانیت صاف فکر و عقلمند حرف از کفایتشان نطق کردن است و به هر طریقی می پرسند که در اینها  
اندوه و غمی است بسبب ترس از حیاهت و اینکه ای کسانان را کمال انجام داده اند و این ترس آنها است  
امور دنیوی اینها در دوزخند نیست در این حالت نور علم نیست می آورد و از حوض نور علم حقیق خرد را آرام می کند  
و اصفا از احوال الهی و از عبارت با خدا لذت ببرد

۱ با چه کتابی می توان علوم عقلی طلب - تشریح - نجوم را در این مطالعه در آیه معلوم داشت؟

علوم دین را آری شاه آیت بودن نگاه کنیم داخل در اصنام می آید تا به علوم می شود که بیایم تعقیب - معلوم  
تا ریغ را با نگاه عبرت نگاه کنیم . اگر این علم خدا و علم به خدا شوند در آیه معلوم داخل می شوند . پس علوم  
اگر مورد توجه علم است و در غیر اینصورت نباید به سمت آن رفت چون باعث از دست دادن وقت می شود یا



توجه به کمرگرتاه استناز - و علوم را بر ضرب برساند و سوره عنز سینه یا به کتار استه سینه نو

۲ نظر رسول خدا در مورد علم سنی شناسی؟

باین هست که پیاپی در جامعیت و دانش که امر او مبرای آرزو اند فرمود که سنی لغت علام است

کسیه داناست به نوز تا جاهلیت - اشعار عرب و سنی شناسی و علم است که از حلق بیان عنزی ترسد

از علم آن سوای ترسد و پیامبر فرمودند علم ۳ چیز است و آی کلمه - فریضه کاره یا سنت ماسه

و غیر اینها ز یاد است





۱) حقیقت انبیا از نظر علمای معتزلیان را بیان کنید.

از نظر بعضی علمای معتزلیان ذات غلادینوا منقو از دیدار می دانند و نظر دارند که راه تقالیه جلیس بسته است و آیات و روایاتی که در دیدار و تقادیده را به ملاقات در معیشت و دیدار از زبان حقان و پاداش مطرح کردند و در مقابل بعضی آیات و روایات دیگر هستند که علماهای دیگری آنها را به تقادالله تفسیر کرده اند که در بین به ذات خداوند را غیر مستقیم می دانند و راه دیدن به تقادالله را از راه می دانند. چنانچه ها کتبه بر روی در غرق در عشق و محبت الهی است و در تقوا با اهل بر سر

۲) احوال افراد در بیان نبوت چه صورت است توضیح دهید.

افراد بولین غرق نبوت در این دنیا و مشغول در دنیا می باشند و غولسته هائیس از این اعمال و احوال خود بیخبرند و این دنیا پرده حجاب است که فرد قادر بر دیدن آن نیست و وقتی حرکت خود فراموش می کند و غولسته هائیس از این دنیا پرده حجاب می رود و عالم بزرگ را خود صد دید و از جهان و احوال خود آگاه می شود و در این عالم بزرگ سرگردان می شود و این از بیخبر است از افراد در زمان همان دار چهره آثار و احوالات خود را می بیند از ملکوت الهوت بهارات هستی و بزرگ را می شنود

۱) اقسام قلوب چه می باشد توضیح دهید.

با توجه به حدیث امام باقر (علیه السلام) انا ائمة قلب مکتوس که در آن خیر و برکتی نیست و در بند قلب حاضرید این نام است. قلبی که در آن نطقه سیاه می است و خیر و برکت در آن می کنند و با نطقه قلی بیرون شود و دیگری قلب مفتوح که چرامی در آن تا از بیخبر است از این می دانند که نبوت قلب مؤمن است.

۲) حالات قلب و قلب مؤمن چه صورت است.

از خصوصیات قلب مؤمن این است که از این است بر خلاف قلب جاهل که تیره است که در حیرت است و در پیوسته می چرخد و لایم - و او را جفانش کنند در قلب مؤمن روشن است است مثل خیر و بر راه است و در دست با توجه به فقرات و سرشتی که در در قدم بر صی در این افراد مثال انسان کامل اند

منصورہ توکلی

مذموم و نوالی \* بعمرب الشوری و الصبیحی \* (قرص غنیمت) \*

۱) حیرت که غنیمت در مواردی حاصل است ۸

۱) خدیوگ نگاه دام های نفس بسیار است و ممکن است انسان از راه شرح گویا نبرد و به هلاکت افکند مثل غنیمت متعلق به نفس است اگر چه بسیار است در مواردی که ترک نگاه شود از باب مراقبه نفس از منکر است ولی باید انسان ملاحظه کند که اگر او سرس و العی است یا شیطان و نفسانی اگر عبادت باشد الهی است اگر هوس نفسانی باشد غنیمت خود را پاک کند عبادت داد آن نفس به غنیمت در مواردی که بسیار است  
۲) کم کم به وارد حرام کشید. ما تو را مثل وارد در مواردی که مستحب است که بسیار است ولی ممکن است انسان به معصیت کشیده شود پس چه کمتر که انسان نفس خود را از این حال در کشش نفس بر صبر و تلاوت جوایز غنیمت باز دفع ترک آن است.

۲) علاج غنیمت چیست؟

- ۱) علاج عملی - اندیشیدن در عقوباتی که من فوایدی که مقایسه با آثار زشت آن
- ۲) علاج اخلاقی - صبر و کوشش از خود - تقصیر به خود - معجزات

مذموم و نوالی \* سر و شور از العی و سر \* (قرص اطلاق) \*

۱) سر و شور از العی چیست؟

۱) سر و شور از العی عمل از مردمان (۲) یا کثیر. تقوید عمل از این که عیبی در آن برای غنیمت باشد (۳) عمل در پی عوض برای عمل در دنیا نباشد (۴) مصلحت آن باشد که خدا را به طوری عبادت کند. آنه خود را از دنیا عالم و عالمیان برادر عیبی (۵) و نیندند که عیبی که از ایشان عیبی است و اینست فالعین باقی از آن است

۲) راه علاج سر و شور از العی چیست؟

اصلاح نفس خارج کردن حب دنیا و حب نفس از دل و ملکات آن است باید دل از هر خواهش خالی شود خواه که در مقام رخصت سفر الهی است ترک حب نفس و پاک کردن دل از هر عیبی و خود خواهی است فایده ریاضت های نفسانی - از بدین وقت حب دنیا

مشهور است که ... \* در صورتی که ... \* در صورتی که ...

۱) قدرت از نعمت مستقیم است آثار در قلوب و عقول  
و شیوع و معیت ظهور مکنز در زبان به حمد و ثنا و در جوارح به صورت اظهار  
به کارگیری اعجاز بزرگهای خدا شکر بر او و تسبیح و تسابیح *نقل از ...*

۲) ... \* ۲۲ \* ... \* ... \*  
حالت تنفیس بی کراهت معروف - مستقیم و غیره و این آیه - از اوست و نیز این حالت اعمال و کلام  
قابل است

۱) علم و مع از تفکر است و در صورتی که ...  
که با خود را این قدر بی زکند مع دستوار است بسیار و اولیاد و قاصدین را که خود را کند  
که ما از آن ها محسوس افلاک اعمال به بی نظیری دارم و افلاک خود به صورت خوبی در آمد

۲) از تفکر از مردم چندین استند ...  
مردم یا ابرارند و در جمیع - یا فجارند و در جمیع  
\* حدیث ۲۲ \* ... \* ... \*  
*نقل از ...*

۱) از تفکر عارفان اهداف تحصیل علم چیست ...  
حول القای علوم و معارف از عالم غیر تابع است تا به علمش بر بیان هاست چون علم  
نور است که خدا بفرستد هر که خواهد که از کلامش به تحصیل علم - (انصاف عقول و انصاف عقول)

۲) علم و معرفت چیست ...  
ترم اصح هوایست به طر اطل مستقیم و تقریب به خدا باشد  
\* حدیث ۲۴ \* ... \* ... \*  
*نقل از ...*

۱) اقسام علوم و معارف ...  
آیه مجله (۲) مزین کادله (۳) مستقیم قائمه (نشانه استوار یا اوج بر است یا استوار)

۲) علم و معرفت ...  
۲(۱) به محکم - علوم عقلی - قفا به قفا - معارف الهیه  
۲(۲) مزین کادله - علم افلاک - معارف قلوب

۳) مستقیم قائمه - علم ظاهر - علوم آداب و فقه



۱) دلیل این که سوالات از الفاظ و کلمات است چیست؟  
این است که انگیزه دینی و ایمانی، مخالف بودن آن با افکار استریوتایپ و افکار اهل بیت  
عموم و طهارت است. مثلاً در وضو آنچه از نیر و صبا میبرد اگر کیفیت وضو  
تقل شود متشن صورت بدست می آید. باریکه باریکه است. بکار اوست بکار اوست  
ظلم است. بعضی از افعال غیر جائز را نفی می نماید. باریکه باریکه است. از آن جهت که در حق  
و مصلحت اوست و بدست است. در وضو باطل است.

علاج اینها منقش قلبی و هلاکت بارش است. ما می توانیم در این علم نافع و باطل را  
است. بستر علم است که خود را هر من بداند. علاج باید در میان علم آن و حربه که مورد است  
تفکر کند. به محله که من فوائد اخلاقی در هر راه می بینم. باریکه باریکه است. باریکه باریکه است.

۱) مقصود از علم آفرین چیست؟

علم آفرین یا از قبیل علم به خدا و معارف است. یا از قبیل علم به خود و همه شغف است.  
یا از قبیل آداب و مشق زندگی.

۲) طالبان و سیدان اینها چه چیز و چه چیزند؟

این دو رات و رات و روحانی است. و علم اخلاقی از ملکوتی است. اینها سید چون از تربیت  
اینها و مقام اولیه برای آن صاحبان است. علم که منشأ اینها و اولاد پیران است.  
است. سید در آن اولاد معنوی هم اینها سید است. پیران در اینها اند و در رات و رات  
روحانی و باطنی است. پس اینها سیدان تربیت و علم با علم است. که در اینها روح  
و حقیقت اینها سید از این راه است. در هر دو سید در اینها سیدانند. باریکه باریکه است.

۱) مقصود از علم آفرین چیست؟

ایمانی است. یعنی در این است. حال بدو عبارت از این است که سید که سید است. مقصود  
من کند. قدر چند خود را می کشد. دانشی می کشد. چه اینها از اینها و حقا را می کشد.

در مفسر روح سید اولیای خالص و اهل معارف است. و در اینها از اینها سیدانند.  
آن علم سیدان هم ممکن است. اولیا سیدانند. که در اینها سیدانند. و حربه معنوی القاصد  
در اینها است. و در اینها سیدانند. سیدانند. سیدانند. سیدانند.

۲) صغیر قلبه و صغیر علمه در شراکت است

۱) صغیر قلبه در شراکت است - افعال

۳) صغیر قلبه در شراکت است - اسمائی و صفاتی

۴) صغیر قلبه در شراکت است - اسمائی و صفاتی - اسمائی و صفاتی

صغیر ۲۸ (نحوه و...) در شراکت است

۵) چگونه در شراکت است و در شراکت است

۱) انسان موافقت کند و حالت قلب خود را از اهل علم با خود در اهل علم خود  
اینها در گذر و در غلوت هاست - مگر در شراکت است - خود را در درون  
بسیار کند و قلبش را شور و جیت و معرفت بر او شکر و حسرت و عیب دنیا و غیره او را از درون  
بسیار کند و در شراکت است - در آغاز شراکت کفر است - و با جیت به دنیا در خواست  
زوال آن شکر است - و در شراکت است - و در شراکت است - و در شراکت است  
خدا چه شکر است - و در شراکت است - و در شراکت است - و در شراکت است

۲) راه صغیر قلبه

آه است - که انسان در ابتدای امر وقتش را صرف منزهت حق کند و علم بی خدا و آسمان  
و سفار او را از راه قبول در خدمت بزرگان آن علم بی آموزش حاصل باریافت کلی  
و علم با معارف او را در دست کند که البته در خدمت خود او را این است - است - و در شراکت است  
تو چه بدین ارباب بهر است - و در شراکت است - و در شراکت است - و در شراکت است

صغیر ۲۸ (نحوه و...) در شراکت است

۱) چگونه در شراکت است و در شراکت است  
نزد آن در علم است - و در شراکت است - و در شراکت است - و در شراکت است  
روشن است - که با او در شراکت است - و در شراکت است - و در شراکت است  
همه با او در شراکت است - و در شراکت است - و در شراکت است - و در شراکت است

۲) دل بزرگ و علم بزرگ

۱) دل بزرگ و علم بزرگ - و در شراکت است

۲) دیگرین قلبه و ارگون و اولاد است

۳) دل بزرگ و علم بزرگ - و در شراکت است

۴) دل بزرگ و علم بزرگ - و در شراکت است

از این است که ... امیر الله تعالی که دیدار خدا را دوست داشته باشد ...

اولی الامر ... در جای ... لقاد الله ...

لقاد الله و کید ... ذات مقدس قرار گرفته از دیدار بداند ...

راه ... کلمه به قرار اسما و صفات او را از راه های مختلف ...

کسی که ... عالم بزرگ زینت ...

چنان که ... از خداست ...

فلهو ... و انتقام ...

و تخر ... و کثر ...

و کرامت ...



مکانیست **سطلان** بخت من بود که دل خود را فووسه را از جاده مستقیم  
کلیج کند و غیره این در اعم کما فلع من خود لا اند در این آیه منکر زده مثل کسی که  
ولایت علی را از من خود کند که می بر روی خود را از ما شوند و به هدایت نرسد و کسی  
که از آن حضرت است با بدست خود نرسد را است و هر اهل مستقیم قرار داد است هر اهل مستقیم  
امیر المؤمنین است و مقصود از هر اهل مستقیم علی و اهل باند

**قلوب مطهره** و هر که در آن بقلوبش  
قلوب مومنین از فطرت ما فلو اهل خود  
خارج شده و هر چه از حقایق ایمانی و معارف صغریه آن القائلون و می پذیرد فقلوبه  
مومنین را **مصدق** معروف کرده است. قلوب مطهره چون تیرتسهای ماهی در بندگی  
اند علی پیدا کرده و در صفت های جاودگی و اطلاق با بسبب خود و نفس و جاد دارد  
مستقیم و مسرور و مطبوع است و کلمه حق را قبول می کند

**قلوب مطهره** که در هر دو است کوی و مطبوع است  
میزان در ظاهر و شش دل عقل از حق و توحید به دنیا است  
یا ایمان نیست یا جهل و حق من است که در هر دو با و از کوی و قلبه ندارد  
گاه هر دو صفت گاه هر منافق و خدایان کرده اگر همین ایمان بی معنی  
هم در صفت بدن آمان هیچ حلقه صبی نزار در زایل شود و منافق در دنیا بود  
منزه عفتین صورتها شود.

صفت مومنین دو صفت را **من** و **علا** و هر دو بلا ناز از کرده  
و صفت بین صفات مومنین مرتبه دارد و صفت نیک از آن دو  
است و صفت مومنین.

و هر که در آن ایمان در خلاصه هر کس و هر که در آن است  
ند ما جاری است.

زهرا حقيقت

① معنای اصطلاحی غیبت: غیبت و اختیاب آن است که کسی پشت سر دیگری

چیزی بفرماند یا بگوید که اگر بشنود او را ناراحت کند. اگر راست باشد غیبت است

و اگر دروغ باشد بجهان

② علاج عملی غیبت: عدس با سر زخمی خردتین داری کند و چهار زبان و با ضرورت

کهرنگی که مریک این صفاتش و از ضرورت ها است

③ پیرایان دین دایره زنتی و غیبت هم نکاتی فرموده

در صحنی از امام صادق علیه السلام که مومنی را غیبت کند، از ولایت خدا خراب می شود و

طرد و ولایت شیطان می شود و از اهل ایمان و خجالت نخواهد بود

**در بیان اجلاص**

① شکر در عبادت به چه معناست؟ رضا خیر خدا را در آن دارد کسی چه رضا خودت باشد یا

دیوان. اگر این رضا مردم باشد، شکر ظاهر است و بیای نقدی است و اگر رضا خودت باشد، شکر

② حدیث از حضرت چیست؟ تمایز و امکان توبه

③ اجلاص در دنیا به چه معناست؟ خیر خدا را از تفرقه آن ذات مقدس بیرون کنی و شکر را

که دارای مروتی است و از ضعف توبه و سستی ایمان حاصل می شود به آن را توبه

۱) **حقیقت شکر چیست؟** شکر عبارت است از قدرانی از نعمتِ منبع

و آثارش در قلب بصورت شمع و محبت ظهور می کند و در زبان به حمد و ثنا و در جوارح

بصورت اطاعت و بجا آوردن اعضا در راه رضای خداست

۲) **شکر چند قسم است؟** شکر قلبی ← بصورت نعت است

شکر زبانی ← ثنا یا حمد است

شکر به اعضا ← ممانعت نعت است به تدبیر نیت

۳) **تربیت نفع شکر زبانی چیست؟** آثارش چیست؟

← عذر فراموشی است

← امتزاج نیت است



① تعادلت خوف از مرگ با پناهت مرگ :

خوف از مرگ به نوعی ترسیدن از عظمت خداست پس همان کارها که انجام دادیم تا آنجا که  
سند ما به / پناهت از مرگ در حضور انسان است نه از خوف در این دنیا و جهان که آید و  
نظری هستند.

② صورت عیشت و عینم حکما چیست؟

به صورت اعمال نیک و بد عیشت است که در عالم دیگر به انسان برمیگردد.

③ دو مورد از اوصاف و علامات انفرادی که علم را بطریق تقه و کفایت می آموزند :

۱- نوع علم آدام و طویر از اول صفاقتش می برد

۲- از مناقبات با خدایت لذت می برد

۳- شایعها به بیاری و منفی می گویند

④ اولین مرتبه در راه کسب و جلب علم و اموال خود در جلال تحصیل است

① انسان دارای چند نشانه و عالم است ؟ تا آید

۳ نشانه ( اول ) نشانه آخرت و غیب / ( ب ) نشانه نریزغ و عالم خدای

( ج ) نشانه دنیا و معاشرت و عالم شهادت

② علوم سه طبقه را بشمارید ؟ ( در صورتی که در معارف است از علوم عقلی و

عقاید حقه و معارف الحق )

① ( علم اخلاق و تقصیرات )

② ( علم فقه و احکام )

③ ( علم ظاهر و علم آداب )

① علم درسی از وسط است در غار و راهی است آن را توفیق می گویند  
 و سوره که نسبت غار و تکبیره الاحرام است که مرکب چندین حکم می شود  
 در عین حال خود را از تعلیم می داند. نسبت از امر استیاری انسان است  
 مسائل هیچ عملی را (عبادی - غیرعبادی) نمی گویند بجز نسبت انجام دفعه

② علاج عملی و سواسی است اعتدالی م و سوسیدی شیطان و ضلالتی که به او العاصم می گویند

③ علاج عملی و سواسی است  
 ① توفیق به اینکه نزد سواسی خود را مریض بدانند و در عهد حال با  
 ② تفکر در اینکه کاری را که می خواهند انجام دهند مورد رضای خدا باشد نه رخصت دیگر

① انواع علم را بنویسید : ① علم ذوقی که مقصد رسیدن به مقاصد دنیا است  
 ② علم افروزی که به مقاصد ملکوتی و مدارج اخروی رسیدن ملاک

④ حقیقت علم و افعال حقیقت :  
 حقیقت علم و افعال نور است و حقیقت نور چیزی است که خودش ظاهر و باطن  
 است و غرض خود را هم ظاهر می کند در قرآن در روایات هم نور به علم تفسیر شده

③ حقیقت حقیقت : ① حقیقت ذات ② حقیقت صفات ③ حقیقت افعال

① فراغت برای عبارت چگونه حاصل می شود ؟ با فراغت وقت در دل حضور قلب هم

② در عبارت فقط با همین فراغت حاصل می شود

③ هم ضروری است حضور قلب می شود. فراغت وقت و قلب + فعالیت جهت عبارت برای دل

④ سست انگاری ما از صفت ایمان و سستی کفایت و نادانی ما است

⑤ عیب و بی نیازی از اوست کماله ی تن در هر چه هست است

لَقَدْ آتَى الْبَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ فَأَتَيْنَاهُمُ الْوَحْيَ بِحُكْمِ رَبِّكَ فَآمَنُوا

عزیزان، گشودن روزی این از عالم عیب به درون طلب و آن سوی پرده مرگ و استیاق کارها

مصحف انعمین دنیا است. لقاء: رویت و دیدار. انبض بحر صب و دوستی. صب: صفت (نست)

کراهت موت، کراهت از لقاء الله و عند الفانی، حال و تبارک و تعالی

خوبی علیا برای آن که ذات خدا را حق از دیدار یافتند لَقَدْ آتَى الْبَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ

وَجَلَّلْنَاهُ ذُرِّيًّا وَاسْمًا وَاحْتَلَفْنَا فِي الْآيَاتِ لَعَلَّ إِنْسِيًّا يَفْقَهُ

و من دانیم مقصد از باز بودن لقاء الله از طرف سیر و به معنی رسیدن به کندی ذات است

گوشه به قدری تا سر و کلاه جان به دست و غرض در بخش خدا شده و جای می آید

خدا از این می بود و او در است و صفا مانع می شود. راه خدا خوب است. انما اوتسوا راضی

ندیده حق کند و علم به خدا (اسما - صفا) از طرف علم بیایوزد و سپس با رضایت علم و عمل

صفت را وارد قلب کند. از صفت شایسته معلوم می شود که در وقت معانی (اختصار) بودن مقامات

و احوال آن رضوین اشعار می شود که تا قوس مکتوب از پیش در دنیا است مقصود نیست

زانشیه شمار مرگ در راه می شود، اگر اهل ایمان باشد و اهل و طاعت علم دعا

حضرت رسول و امامان در آنجا در آمدند و در آنجا در آمدند و در آنجا در آمدند

در آنجا در آمدند و در آنجا در آمدند و در آنجا در آمدند

از قیامت ارادت و نمودند و در آنجا در آمدند و در آنجا در آمدند

هیچ چیز منقوض نماند از آنجا در آمدند و در آنجا در آمدند

در دنیا عمل صالح و نیک انجام دادند و در آنجا در آمدند

صب و رفق و خرد و بیادری از آنجا در آمدند و در آنجا در آمدند

ملک و صلح و صلح و صلح از آنجا در آمدند و در آنجا در آمدند

همراه با خود است و در آنجا در آمدند و در آنجا در آمدند

در این عالم ظهور پیدا کند بصورت صبر و رحمت است و در آنجا در آمدند

و آنگاه است و در آنجا در آمدند و در آنجا در آمدند

قلب و عیال درونی انسان تأثیر مهمی در رفتار و احساس و اعمال بیرونی او دارد.

شکلی از قلب و عیال، نمای از کاسه و زبان و انگشت و پستان بر غیر صفت مستقیم است

نوشته بر این اصطلاح قلب بر نام معانی است علم احوال دل و نیت جهت و مرض و صلاح

دستار و قلب عیال است که مقوله عمل و اجری بر این اصطلاح آن است این باید بیشتر آموخت

ریشه اصطلاح قلب در کتب کلامی و معانی از کلماتی است که از آن تقسیم شده است

کسب و عیال و عیال است که در کتب اصول فقهی از جمله کسب و عیال و عیال و عیال

دقت عرض است. انسان تا زمانی در این دنیا نیست که خود را از سر به سعادت و تقوی نجات دهد

در کمال و سعادت روحی رساند. قلب، پایه همه اعمال و بیایه آوردن ایمان است. در حالت دوم

با انفعال ایمان می کند این در صورت اول با دران ایمان مستر است. با طاهر ایمان می آورد و معاصی

و انفعال ایمان می کند.

حالات قلب، قلب بدون روشن است. قلب مبین و روشن مبین است. در هر حالتی مستقیم و

حاله استیلا است و صلاح از سر دست آورده که خود را از سر به عمل نمی کند که در کمال از

خیرت ایمان می شوند بدون، تا به انسان کامل است و انسان کامل هر چه نقص است و صفا

است، این و پستان بر راه مستقیم است؛ هر کس که دلش را صفا و از فقره سلطان صفا کند

از تصرفات ضربه سئیدان است که اسباب و صعبه کار خود را از حار مستقیم

کج کند و به غیره متوجه کند و دل به شوق هشیان در میرت با اسباب غایب محو نمیرد

بسیار و صورت عمل در این دنیا سیرت مستقیم و ملبس متواضعی و تقوی به خدا

در ال عالم نیز صراط مستقیم و روشن است در صورت و سیرت و ظاهر و باطن

به نظر انسان است در اول و اولی شکر عمل از نصرت الهی خارج است در عالم

دعوت با عالم دیگر با سیرت و صورت حیوانات محسوس شده

علت تفاوت و فرق این است که علت بودن از نصرت است و اجتناب خود را خارج نشود و حرم

از صفات اینج و معارف چه به آن القاسم شود، من نپرسد - اما طلب بنات عمل نرسد

که متانی قدرت است، محسوس و مسرود است - طبعی حق را قبول نمی کند و اظهار دینیت را در سینه

بسیار است می داند، اگر نوسن دعا متوجه دنیا باشد از حق دوری گزیند است و کسی که اطفال احوال به

تعالی دارد دل تیری از آن تیری نماید، اما کسی او را به عمل نمی رساند و در صورتی منافق است

مؤمن باید سیرت باشد اما در ظاهر و باطن نماند و حارس باشد، و اگر به دل احوالی احوال دارد

ظاهر صفت به حکم آن باید نگردد تا احوالی با هر جا شود و با هیچ فاضل نماند تا این احوال را

به این نماند قدس با زنی دهند

هانیه سادات خلیلی فر



۱- **حقیقت عبارت است از...**

۱- حقیقت عبارت است از هر چه که در عالم واقعیت وجود دارد و در ذهن ما نیز وجود دارد. حقیقت آنست که هر چه در عالم واقعیت وجود دارد در ذهن ما نیز وجود دارد.

۲- حقیقت عبارت است از آنکه هر چه در عالم واقعیت وجود دارد در ذهن ما نیز وجود دارد.

۳- حقیقت عبارت است از آنکه هر چه در عالم واقعیت وجود دارد در ذهن ما نیز وجود دارد.

۴- **حقیقت عبارت است از...** کسی که حقیقت را که در عالم واقعیت وجود دارد در ذهن ما نیز وجود دارد.

حقیقت عبارت است از آنکه هر چه در عالم واقعیت وجود دارد در ذهن ما نیز وجود دارد. حقیقت آنست که هر چه در عالم واقعیت وجود دارد در ذهن ما نیز وجود دارد.

۳- **حقیقت عبارت است از...**

کسی که حقیقت را که در عالم واقعیت وجود دارد در ذهن ما نیز وجود دارد. حقیقت آنست که هر چه در عالم واقعیت وجود دارد در ذهن ما نیز وجود دارد.

۴- **حقیقت عبارت است از...**

از هر چه که در عالم واقعیت وجود دارد در ذهن ما نیز وجود دارد. حقیقت آنست که هر چه در عالم واقعیت وجود دارد در ذهن ما نیز وجود دارد.



فکره معانی تا مشکلات است در آن گرامر امری من علی کون لیت که میگذارد و غیره  
دکتر که معنی داده و معانی دیگر است امر اول کون است که شروع از عطایه و مع  
و طبع است باینکه طبع از معنی

۱۳۰۰ از آنجا که من علی کون که در آن معنی است  
از آنجا که طبع است از آنجا که طبع از معنی

۱۳- امام رضا (ع) فرمودند: هر کس بر این دو کلام در بیان

شنبه ۱۳  
Saturday 3  
ربیع الاول ۳

میگویند فرمودند؟  
امانتها را از دست نماند و دست خود را بر اهلش را اندک کار کرد

یکشنبه ۱۴  
Sunday 4  
ربیع الاول ۴

۱۴- هر کس این دو کلام را بخواند و دست خود را بر اهلش  
گذاشت پس چگونه بینی حال ما را میشناسد؟ فرمود: هر کس این دو کلام  
خود را بر سرش بگذارد همانا خداوند عز و جل در حقش مسکنه و عافیه بفرستد

۲- در حدیث دیگر آمده است: هر کس این دو کلام را در روز شنبه

دوشنبه ۱۵  
Monday 5  
ربیع الاول ۵

هر روز بخواند و بر او کسب نفس نموشد بیاورد و بر او در دنیا  
شد و تا نود و نهمت را و دلالت شدی بر دایم  
بگیری در تو اعمال و اخلاق و معاشرت و عبادت و عیال

سه شنبه ۱۶  
Tuesday 6  
ربیع الاول ۶

صحت شکر ما را بنیاید و انوار خیرات را عقل است و دوا اصلاح  
نفس است در رفته آید است این حال موصلین

حدیث ۲۳ - روز شنبه

چهارشنبه ۱۷  
Wednesday 7  
ربیع الاول ۷

۱- طلب کننده علم خود را در سه روز

پنجشنبه ۱۸  
Thursday 8  
ربیع الاول ۸

طلب کننده علم سه روز است یک صفت طلب کننده است و بر عقل  
عبدالل و یک صفت طلب کننده است و بر ابرار است و حسن و قبح  
دیک صفت طلب کننده است و بر دانش و شش

جمعه ۱۹  
Friday 9  
ربیع الاول ۹

۱۸- شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام (۲۶۰ هـ ق)  
پس در آن مجلس و عبدالل آزاد است و در حال کن است حرف  
کن گفتگوهای است در این سخن در آن به گفتگوی دانش و حرف  
و بر داری بگفته است بیرون نروستی را و تن گرفتار است از هر چیزی

و صاحب‌البدن بر بازی و سرود در انگیزش است و صاحب‌البدن  
ملدی جوید بر مثل شتور از نیجه خویش و فرودش کند از سر آ دار لایه

از غیر خود

۲۰ - شهادت آیت الله مستغنیب سومین شهید معراب به دست منافقان ( ۱۳۶۰ هـ ش )

۱- جوینده بودی که از دانشش فرودش است و از آنچه ویرگی پای

صند

و از دانشش و پیش در آستینش دانده دست بر زندگی است

صل بند بر کلاه خود بر دستش دارد تا ایسی آمد عمل ما کند ص بر کرد  
ترسیدی ، خوانده است ، بر خذ از است روز آورید ه است بر

۲۲ - ولادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به روایت اهل بیت ( ۵۳ سال قبل از هجرت ) اعجاز صفت و حدت

از مویشی برادر خود پس حکم کند منافع از این روی با بر مال  
را و خنایه بر او در روز ستانم از انام و را

علامه کتبت ۱

دانا ترین مردم است به سخای عرب و رباع کوه و مدینه کوه  
 جامعیت دانشا عربی ز مورد عقیدت این علم است که از  
 صحت او منبر فرزایان نرسد و از علم او سودی حاصل نشود  
 ما نا علم محض است است به سر میر آیه مکه، یا نه عجز  
 عارله یا است قائم

۵- ولادت حضرت عیسی مسیح علیه السلام روز اجسی در برابر زلزله و کشتن ایزد بالای طبعی

۲- کلمه من بر آسوال از صیبه ۱

کلمه ما بر آسوال از صفت موجوده یا استخ اسم موصوف است  
 و چاره به جناب رسول اکرم (ص) عرض کردند این کلمه علامه  
 است آنکه سر در حقیقت علامه بوده و عترای علم او را

۷- سالروز تشکیل نهضت سوادآموزی به فرمان حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) (۱۳۵۸ هـ.ش)

به صفت کلمه ما بر آسوال فرموده و از این جهت به کلمه ما سوال  
 فرموده و اوصاف عنوانه را نامی در سلبه سوال از ذات مراد منند  
 مثل آنکه صفت وصف را بدینند و موصوف را بنامانند در این موقع سوال  
 به کلمه ای من واقع شود که در این ملامت او دیگر کس را بنام  
 وصف نه وصف مع الوصف و نه موصوف

۹- روز بصورت و استیلا است با ولایت

۱- علم استیلائی

و سوس از بیگانگی است و پیش از این که در لطف خداوند است اولی نفسی است که استیلائی  
دنیوی خود را توجیه کند و بعدی نفس اولی است که مرقب دنیوی را استود و بویسته بود و بیگانه است  
است و ای ماستر معبر از وی است و میگوید که در سلسله ای است که از سوس است و سوس است  
در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است

۲- علاج علی و سوس استیلائی

و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است  
و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است  
و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است

۳- چرا در سوس استیلائی است

چون در سوس استیلائی است و این است که در سوس است و این است که در سوس است  
و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است  
و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است

۴- علم استیلائی

۱- مقول از علم استیلائی

علم علوم دنیوی داریم هم علم استیلائی است و این است که در سوس است و این است که در سوس است  
و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است  
و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است

۲- تفاوت علم دنیوی و علم استیلائی

هم در ایام هر کجا و در هر طبعی و در هر کجا که علم و ایام در هر کجا است و در هر کجا که علم و ایام است  
و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است  
و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است  
و این است که در سوس است و این است که در سوس است و این است که در سوس است

۴- حاله از حق دولت حاصل می شود و در وقت **تاریخ**  
بلازمی است و این معانی می برد ملازمه معانی است و این است که دولت است  
و این است و این است بین کلاز این است برین معنی است که این است  
این است

۵

آرامت دل و سلامت جسم و عین **تاریخ** و **تاریخ**  
رای بیست باید بر این است که این است که این است که این است  
دست و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است

**تاریخ** و **تاریخ** و **تاریخ**

بیا بر این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است

۱- صورت ملک اعلی و عین حق  
تاریخ و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است  
تاریخ و این است که این است که این است که این است



۱- کلام که در سوره الفاتحه است عبارت از این است - ص ۱

و من لدن انوار عالم افرین گردد - سوگند که در سوره الفاتحه است - حق ذات بی تمام و بی پایان است  
که ما را با کلمات بی پایان و اسما و صفات خدا تکامل دهد و در کلیات دعا و سوره ها و نمازها و غیره  
خدا و معانی ذاتی خود را ستودیم و ما که در عالم نادانیم است

۲- سوره الفاتحه ص ۲ این مضامین است - ص ۲

و خداوند آفریننده است بسیاری از اموات و احوال این از سوره الفاتحه است - ص ۲  
و طبیعی به صورتی میراث خود نیست در این است که اموات این اوصاف احوال در عالم ملک همواره با احوال  
است دل در عالم نیست منزه از خلق است

۳- چرا عالم بزرگ را سوره الفاتحه است - ص ۳

چون در سوره الفاتحه است که این دعا را سوره الفاتحه است  
می بیند و از قدرت بی نهایت - ص ۳  
لطیف ربانی در آن کلی پیدا کند ملک است که در آن است که این دعا را سوره الفاتحه است - ص ۳  
از کبرایات حق - او ملک است که سوره الفاتحه را در آن است که در آن است که این دعا را سوره الفاتحه است - ص ۳  
فرا عجب و در آن است که سوره الفاتحه را در آن است که در آن است که این دعا را سوره الفاتحه است - ص ۳  
و این دعا را سوره الفاتحه است که در آن است که در آن است که این دعا را سوره الفاتحه است - ص ۳

صورتها در یکجا برآید

۱- دلی که در آنه دمی و ایمان است اما یک قلب است که مایه و مغلوب است

۳- دلی که همه است و طمعی

۴- دلی که برای رسان است

از هر سه قلبی که در آنه مثل حجت چراغ است اما مایه و طمعی قلب مایه است

و اما از هر قالی قلب مؤمن است اکثره او عطا کند مگر گوید و اکثره او سزا است

قلب را رنگ گوید قلب شکر است

مغز را نیز آید اسن بسی الا من آتاه الله الذی لا یغنی عن شئ

یا خیر یا خیر یا خیر که مری که بر استوار بود و با طیب

خدا و ملائکه نیز که از عدم علی نه بیست یا از صاف روی مثل دشت بر روی گوید

و یا با آنچه مایه است

اصلاح طبایع است اصلاح قلب که صلاح است که صلاح است که اصلاح است که اصلاح است

صاف است و متواتر است و لا یستتر است از عین صفت و مطلق است بی هیچ ادب است مگر در

مستور در بطن است مصلح عالم طیب است که امم مصلح در همه تربیت انما ل طیب قلب

در دایع صاف است چون در کمال است و عطیات است که برای منوی صیر لویه حاصل می شود مگر با کوه

در همه صیر مگوب است یا مصلح اند به ایامه به صیغ آنچه مینماید که در او یا به بعضی نده بعضی

که اولی قلب مؤمن است و دلی قلبی که نگاه ایامه در آن با هم است

۲- یا در ظاهر مریخ به ایامه که بیاید دلی قلب مایه است نفس قلب شکر

قلب را به ۳ قلب تقسیم می کنند قلب مگوب که در او صیر است و در او قلب مایه

است و دلی که در آنه سوده است دستر و صیر در او مایه که اکثره غالب است

و قلب صیر که در او صیر است که اکثره است که اکثره است که اکثره است که اکثره است

است و این مایه با آنه صفت است و در او

بعضی مردم با صی که در طمعی و مایه که در طمعی یا دلی و دلی که در طمعی یا دلی که در طمعی

بعضی مردم از قلب مؤمنان و در او صیر مایه که در او صیر مایه که در او صیر مایه که در او صیر مایه

قلب مری را بر سر قفسه صدری خود از جاده سینه این بوی است در راه سینه لایق خارج  
اصل نظریات الهی است که در حق تعالی آمده است و این در مقابل اصل صلیح غیره و در  
درجه نظریات و درجه نظریات و درجه نظریات و درجه نظریات و درجه نظریات  
معانی در نظریات و درجه نظریات و درجه نظریات و درجه نظریات و درجه نظریات  
معانی در نظریات و درجه نظریات و درجه نظریات و درجه نظریات و درجه نظریات

در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب

در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب

در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب  
در کتبیه بعضی از اصحاب که در حق تعالی آمده است و در کتبیه بعضی از اصحاب

حبيبه شريفى

۱- استماع عیب و حرمت آن را بنویسید؟ همچنین در عیب حرام است نوشتن دادن به آن حرام است و از بهای آن استفاده می شود که نوشتن دادن به عیب در همه عیوب مثل عیب کردن است.

۲- حدیث از پیامبر ص در مورد عیب ذکر کنید؟ پیامبر ص فرمودند: آتش در سوزاندن خانه می بردن چیز خرد، سریع تر از عیب در نابود ساختن صنایع بنده است.  
درین اطلاق

۱- بلا را یعنی کنید؟ بلا به معنای امکان و تجربه است.  
۲- تأسیه کرده است که انسان بر عمل ثابت مانند تا به اطلاق برسد چه در صحن عمل چه پس از آن توجیح دهنده؟ فتعاشیه انسان در حال افعال عمل آن رای عیب نقص و خالی از ریاء و عجب به جا آورد. و یاد کرد آن بعد از چار ریاء می شود و بی حس آن می گردد و برایش ریاء نوشته می شود پس بر این اطلاق در عمل هم باید بتوانیم تا آخر از اعمالمان محافظت کنیم.  
درین سکر

۱- انواع سکر بنویسید؟ ۱- سکر قلبی که تقویر نفی است، ۲- سکر زبانی که تبار صاحب نفی است ۳- سکر به اعضا که مکافات نفی است به قدر استحقاق  
در راه تفکر فکر؟

۲- حدیثی از امام صادق ع که از پیامبر ص نقل کرده اند بنویسید که خورنده سکر کس ۵۰ اجر دیاد است او مثل روزنه دار در راه خداست. کسی که در عافیت و سلامت است و سکر کند اجر اضعیف است و اگر مبتلای است که همسری کند و نفی یافته باشد اگر اجرش مانند اجر کسی است که مخردم از عطاس و قحاح و راضی است.

۱- علاج واقعی ترس از مرگ را بنویسید؟ علاج واقعی ترس از مرگ وارد کردن ایمان در قلب است.

۲- صورت بهشت و جهنم همان را توفیق دهید همراه با عدیت از بیابان و عالم به آنال باز می گردد. و در عدیت است که رسول خدا ص در شب مراجع در بهشت و شکایان بودید که گاهی مشغول کارند و گاهی از کار من است. بسبب آن با پر کسب گفت موافقین بنا به از ذکرهای امت است هر وقت ذکر بگویند موافقین حاصل می شود و ملائکه مشغولند وقتی از ذکر باز می مانند اینها نیز از عمل باز می مانند

درسی اصناف جویندگان علم

۱- صدیق از آنکه صادق در باره طالبان علم را بنویسید. - او فرمودند: کسی که صدیق است که به خاطر منقبت دنیوی اراد کند در آخرت بر او برسد این نیست و کسی که با آن آخرت را بخواهد. خداوند صیر دنیا و آخرت به او عطا می کند  
۲- مراد و جدال چه تاثیر بر ما دارد؟ دل جویندگان کند و انزال را به دوستان بدبین می کند و در دل نفاق می رویاند کارهایی بد در باطن و طلب، نزدیکی و دوری از او من ندارد. چون ایشان داده طبیعت است و عوان شهوت و غضب و غلبت با او قرین و در او اثر گذار است. از این رو با مختصر ممکن از بیرون، طلب انسان به لوی مفسدات و امور موافق با طبیعت می تواند

درسی اصنام علم

۱- فریضه عادل و کنت قائم و سبب کنت؟ در ضمن عاقل عبارت است از علم اطلاق و تفضیل نور کنت قائم عبارت است از علم ظاهر و علوم آداب عالی.

۲- هم علوی علم محسوب می شود؟ همه علوم اگر برای انسان به حسب احوال کسب های دنیوی که هدف خلقت است لود منزه بود علم است و اگر نه ناپسند است و نباید بیاموز آنها است مثل مسخر و سگه و امثال اینها و از علوی تبع و ضرر ندارد و تزیین مفید است بهتر است محرم کوتاه را منقول اینها کنند و موارد منزه علم و تحصیل نماید.

امکان دروس ۲۷-۲۶-۲۵- حسیبه شریف  
درس ۲۴ خودخوانی

۱- علاج عیاشی و سستی و کسالت در میان دارد؟ در حال عیاشی آن نوعی به امور است که  
آنرا تکلیف در این که عمل را بر آن خواهد گذاشت و در صورتی که در مقامی خود را از آن  
آنرا از آن که برضایت و آموخته است و فوزی به مردم معمولی مراعیه کند و عمل خود را  
بر علما و فضیلتها کند تا متوجه شود که سواست دارد و نه

۲- علاج عملی و سواست را بیان کنید؟ بی اعتنایی به گونه شیطان و طاعتی  
است که به لوالعالمین خود میل دارد و ملو به عن شیطان با تکلیف آن است و به  
شیطان را گوید اگر عمل من صحیح نیست پس تحمل بیایم من هم نباید درست باشد  
چون بیایم من هم صیقلی و وضوحی نگرفتند

درس ۲۶ فضیلت علم

۱- انواع علم را بنویسید؟ علوم دنیوی مقدر رسیدن به مقاصد دنیوی است  
و علوم اخروی رسیدن به مقامات ملکوتی و مدارج اخروی است  
۲- حقیقت علم و ایمان چیست؟ حقیقت علم و ایمان نور است. حقیقت نور  
چیزی است که خودش ظاهر است و غیر خود را هم ظاهر می کند. حقیقت علم هم  
نور است و در قرآن و روایات نور به علم تفسیر کرده است.

درس ۲۷ عبادت و حضور قلب

۱- مقصود تراعت وقت چیست؟ آن است که انسان در شبانه روز وقتی را برای عبادت  
عین کند و در آن وقت به عبادت بپردازد و عبادت را از کارها جدا کند و هم تر بداند  
۲- حضور قلب در عبادت چه مرتبه دارد؟ دو مرتبه دارد. ۱- حضور قلب اجمال است  
یعنی در عین اشتغال به هر عبادت اجمالا ملتفت باشد که سستی و غفلت می کند  
۲- حضور قلب تفصیلی و این برای اولیای فالحق و اهل معارف است  
۳- تفرغ و امتناع کنید؟ تفرغ بدان چیز است یعنی همه وقت خود را صرف آن کردن و به کار  
دیگر نپرداختن تفرغ و فارغ شدن دل بران عبادت یعنی دل را از هر چیز  
جز عبادت جدا فانی کردن.

لقاء به معنای رؤیت و دیدار است  
 وقتی دل از همه عوالم اعرافن گسسته و به تقوای نام رسیده و توجیه کامل به حق دانسته  
 و مستغرق در عشق و صحبت الهی شده، بگویم صفای قلبی برای آن مسکن  
 و پیرایه شود که حجاب های غلیظ عیان بنیده و اسما و صفات فداکنار  
 می رود در اسما صفات فانی می شود در تجلیات ذاتی غیبی نازل  
 می شود در این مشاهده، احوال دنیوی فدا و فانی خود و مخلوق  
 می کند آن کس که در مناجات کلمات آمده و از فداوند، روشن کردن  
 چشم دل و تقرب فدا و کناره رفتن حجاب های نور و رسیدن به مکنون  
 عظمت در خواست می شود (کشف احوال غیب در وقت مردن)  
 در معاینه و برزخ قلب مستغرق شود تا صفات لطیف رحمانی در آن تجلی یابد  
 از این رو، طلب صحبت لقاء الله می کند و آتش شوق جمال محبوب در قلبش  
 افروز شده و گریه و آه اهل ایمان و عمل صالح بوده به اندازه ایمان و اعمالش به او  
 از کرامات حق تعالی عنایت می شود و آن ها را در کبریا می بیند و با سرور  
 و بهجت از این عالم می رود.

معنای صب و بغض الهی

صب باطل و موت و بغض فدا، رحمانیت و صفات و تجلی جمال و جلال  
 اوست و کسرت و تجرد و انفعال در آن ها سه ندارد. پس بغض  
 حق تعالی نسبت به عبود، ظهور به صفات و انتقام است و  
 صدا و برحمت و کرامت است



حسب رشتن

مخلصه درس بی استاد آملوب

استاد اعتمادیان

(تقریب به اصلاح قلب)

علم علقاً فی علم معارف عملی هستند. علم احوال دل کیفیت محبت و مومن و صلاح  
باید پیش ازین توجه به اصلاح قلب باشد تا به کمالات و سعادت روحانی مانده  
(صبا می تقسیم آملوب)

صدیق از حضرت ابا قریح (آملوب به سه قسم است قلب متکلم که در آن خبری  
نیست و آن طلب کار است قلبی که در آن تقاضای است و خبری در آن  
خبر من کس تا غالب شوند و قلب مفتوح که در آن چراغ های روشن است که  
بازر قیامت انوار آن خاموش نکرده و آن قلب مؤمن است  
(حالات آملوب و قلب مؤمن)

اما اصوات فرسوده. بعضی از مردم در کمال فضا صند اما دلشان از رتب نامرکتی  
است. اما بعضی آنگو در دل دارند می توانند بگویند ولی قلبشان مثل چراغ نورانی است  
قلب مؤمن و غنی معنوی او بر طریق مستقیم و جاده استوار انسان است و خارج  
از سرایت تو حید می نگرند آفریده عمل نمی کنند. اما سایر دل ها از راه اعلی  
کنج می شود و مؤمن به شرط آنکه دل های صاف خود را از تفرقات لیباطین و  
انسانیت حفظ کنند.

(قلب مؤمن و قلب منافق)

قلب مؤمن از فطرت صاف و باطن خود خارج نشده و هر چه از صفات ایمانی و معارف  
حقه به آن القا می شود پذیرا می رود در احادیث قلب مؤمن ۴ معنی دارد و بنا به  
طلب منافق چون تیرگی های منافق با فطرت انسان پیدا کرده و تعصب و طلب  
وقت نفس دارد و در دو مطلب است کلمه حق را قبول نمی کند و مثل صغیر و کائنات  
که سیاه کند و نفس من پذیرد و اظهار دینت را وسیله ای برای پیشرفت  
سور خود قرار داده است و قلب بی ترک و منافق هر دو متکوس و مطروب  
است.

سٲٲه صٲدی

۱- در مورد اینکه آیا استماع عینیت حرام است یا نه توضیح دهید؟ بلکه چنانچه عینیت حرام است گوش کردن به آن نیز حرام است همچنان که حضرت علی (ع) می فرماید گوش کنند به عینیت نیز عینیت کن است.

بلکه بعضی از روایات اشاره به این دارد که رد عینیت واجب است و این رد عینیت غیر از مخفی عینیت است و مراد از آن یاری کردن از غایب است به آنچه که مناسبت عینیت است و گاهی دیده می شود که مستمع علاوه بر آن که رد عینیت بر او واجب است را انجام نمی دهد و عینیت کند، را بیشتر استماع کرده و یا مشارکت می کند که هم خود عینیت حرام است و هم نشین آن

۲- پیامدهای اجتماعی عینیت را ببینید؟ این گناه عظیم از مفاسدات ایمان و اخلاق و ظاهر و باطن است و در دنیا و آخرت انسان را رسوا و بی آبرو می کند. و عینیت اگر در اجتماع رایج شود موجب کینه و حسد و بغض و عداوت شده و ریه صادر در جامعه می روید و اتفاق و در رویی را رواج می دهد.

درس ۲۰ (اخلاص)

۱- در اصل رکنه موجب کمال و تمامیت عمل می شود را طبق حدیث بیستم نام ببرید؟

۱) خوف از حق تعالی ۲) نیت صادقانه و اراده خالصانه

۲- این عبارت (الابتعاد عن العمل حتی یخلفه الله من العمل) اشاره به چه موضوعی دارد؟ اشاره به این دارد که انسان باید از اعمالش مراقبت و مواظبت نماید چه در حین انجام آن و چه بعد از آن زیرا گاهی اتفاق می افتد که انسان در حال انجام عمل، آن را بی عیب و نقص عمویل می دهد و خالی از ریا و عجب و غیر آن است ولی بعد از عمل بواسطه ذکر آن ریا مبتلا می کند.

## درس ۲۱ (شکر)

سید مهدی

۱- شکر را تعریف کرده و انواع و آثار آن را بگوئید؟

شکر عبارتست از قدرانی از منعم

انواع شکر

- زبانی
- قلبی
- شکر به اعضا و جوارح

آثار شکر

- در قلب ← خضوع و خشوع و محبت و خشیت
- در زبان ← شکر و حمد و ستایش
- در جوارح ← اطاعت و استعمال جوارح در رضای منعم

۲- در حدیث ارائه در مورد شکر بنویسید؟

امام صادق می فرمایند ← سه چیز است که ضرر نرسانی رساند با آن لکوعا نزد سید

۱) استغفار بر گناه ، ۲) شکر نزد نعمت

رسول خدا می فرمایند ← خوردن شکر کننده ، اجر در خدا و مثل مرد روزی بار در راه خدا است و کسی که در عاقبت و سلامت شکر کند مثل اجر کسی است که مبتلا باشد در صبر راست با سید و کسی که نعمت به او داده شده است و شاکر است اجر او مثل کسی است که محروم از عطای و راضی است به آنچه خداوند عطا فرموده

## درس ۲۲

۱- صورت بهشت و جهنم جسمانی چیست؟ همان صورت اعمال و افعال حسنه و سیه بنی آدم است که در آن عالم به آنها رجوع می کنند.

۲- آیا خوف از مرگ با کراهت از مرگ متفاوت است؟ فرق آنها چیست؟

بله متفاوت است. خوف نگرانی از عمل در برابر عظمت پروردگار است که اگر با عملش مورد قبول خداوند قرار می گیرد یا خیر اما کراهت از مرگ نوعی برآوردن از مرگ است که کاملاً مرزبان متفاوت است.

- ۱- از دیدگاه امام صادق (ع) طلب کشته گان علم چند دسته اند تا آید؟
- طلب کشته گان علم سه دسته اند همین بسنا سید اکفرا را به شخصیتشان و صفاتشان
- ① طلب می کنند آن را برای جهل و حیل
- ② یکدصف طلب می کنند آن را برای رفعت جستن و قریب دادن
- ③ و یکدصف طلب می کنند آن را برابر دانش و بینش

۲- نشانه های صاحبان عقل و فقه را بنویسید؟

از برای صاحبان فقه و عقل یعنی آنان که غایت تحصیل آکفرا در دین و ادراک حقیقت است نیز آثار و علائق است که عمده آن را بیان فرمودند. یکی آنکه بواسطه علم در آفتاب خیزن و اندوه و انکار وارد شود و این انکسار و اندوه از برای امور زائد دنیوی نیست بلکه از خوف مرجع و ترس از مقهور و ظالمان عبودیت است و این انکسار و خوف علاوه بر آنکه خرد قلب را نورانی می کند و صفا می دهد مبدأ اصلاح نفس و مستأقیام به وظایف عبودیت و بندگی می شود و نور علم آراستن را به دل صاحب بر می گرداند و دل او را به حق آگشا می کند.

درس ۲۴

۱- علوم نافعه به چند قسمت تقسیم می شود؟ تا آید؟ ۳ علم

- ① علمی که راجع است به کمالات عظیمه و وظایف روحیه
- ② علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف آن است.
- ③ علمی که راجع به اعمال قالبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس است.

۲- منظور از آیه حکمه - فرضیه عاده و سنت قائمه در حدیث نبوی چیست؟

منظور از آیه حکمه - علوم عقلی و عقاید و معارف الهی می باشد و منظور از سنت قائمه علم ظاهر و علوم آداب قالبی همانند علم فقه و اعمال عبادی آن است و منظور از فرضیه عاده علم اخلاق و تصفیه قلب است

۱- علاج دسواس را بزرسی؟ علاج این مرض قلبی چون سایر امراض قلبی با علم نافع و عمل سهل و آسان است وکی انسان اول باید خود را مریض بداند و سپس درصدد علاج بر بیاید. و تکرر عوی است و خوب است انسان اعمال و افعالش را از روی تفکر و قائل اجبارم دهد. و کیفیت عمل را به درستی بدست بیاورد.

۲- چرا دسواس از سرطان است؟

چون اکثر دسواسی‌ها و بیماری‌ها تبار و خالف با احکام دین و شریعت است اخباری که حاکی از اهل بیت است مثل وضو که کیفیتش از سیره پیامبر به دست ما رسیده بلبار شستن دست و صورت کافی است و در ۲ بار شستن محل اختلاف اما در ۳ بار شستن قطعاً حرام است.

۱- تفاوت نزد عبارت و نور علم چیست؟ دوز علم دلجای تاریک را روشن و صیقل می بخشد و در آخرت نعم به سبب آن احاطه می تری سعادت می کند مبارک بدون علم صورت نمی گیرد عاید هم نور مخصوص خود را دارد منتها نور عاید فقط خودش را روشن می بخشد و زید یا حسن را روشن نمی کند و به دیگران قطع و بزرگی نفا را ند.

۲- مقصود از علم اخروی چیست؟ هدف این علوم رسیدن به مقامات سلوئی و سارج اخروست این علوم یا از قبیل علم به خدا و معارف است یا از قبیل علم به تهنیب نفس یا از قبیل آداب رستن بندگی

۱- حضور قلب اجمالی و حضور قلب تفصیلی چیست؟ حضور قلب اجمالی یعنی در عین اشتغال به هر عبادت، اجمالا تعلق با خداست که سائر معبود می‌گفته هر چند خودش نمی‌داند چه تنهایی می‌کند و چه کسی از اسحاق رابی خوانده حضور قلب تفصیلی برای ادبای خالص خدا و اهل معارف است ولی بعضی مراتب نازل آن برای دیگران هم ممکن است اولی مرحله آن توجه به معانی الفاظ در نماز و دعا است. مرتبه بعدی هم اسرار عبادت به صدر امکان است.

۲- سیره علی پیامبر خدا در نماز چگونه بود؟ پیامبر اکرم و اهل بیت در وقت نماز زندگی از چه نشانه‌ها می‌پرد و بیست‌شان می‌لرزد. از خوف آنکه می‌دادا القربی در امر الهی بی‌سود با آنکه معصوم بودند. در باره کیفیت عبادت رسول اکرم در حدیث آمده است. مرا با خداوند حالتیست که هیچ فرشته مقرب هیچ پیامبر مرستاده شده، ظرفیت آن را ندارد مگر از مقامات اولیا محرومیم. آنهارا انکار کنیم و تسلیم باشیم.

اصحابی (ع) کسی که دوست داشته باشد دیدار خداوند را دوست دارد خداوند دیدار او را ؟  
و کسی که خصم باشد از دیدار خداوند خصم آید خداوند را دیده اراد

اصطلاح الله ← دعای خیر ← لقاء ← رویت و دیدار ← ایض ← ضد دوست داشتن

بعضی از مشران برای آنگاه ذات مقدس خدا را منزه از دیدار بدانند همه آیات مربوط به

لقاء الله را به دیدار در مقام یا دیدار یادداشت و عقاب عمل کرده اند

مسیحی می گویند وقتی دل از همه چیز کنده و به تعالی تا می رسد و توجیب کامل به خداوند است (استغفار)

در عشق و حب الهی که صفای قلبی پیدا می کند که جای سجای میان بند و صفات خداوند

لغاری رود و در اسماء و صفات فانی می شود و به تجلیات ذاتی و غیبی می رسد

آیا سوز دل از اولیای الهی به قصر عمل کرد؟ سوز دل از اولیای خدا بر صورتها

نیست . عیالهای سبانه و این نامه ها و انگها در حال عبارت و بی خود شدن در حال

عبارت با طرز رسیدن به مقام عند الله است منظور بهجت جسمانی نیست یعنی که بهترین

حوریها و بهترین طعمها و یونانها نیست بلکه بهجت به اولیای خدا رضایت پروردگار

است .

کشف احوال غیب در وقت مرگ

انسان تا در این عالم مشغول است از اعمال خود غافل است وقتی که فلهای مرگ بر او

وارد می شود اگر اهل تقوی باشد قلبش متوجه عالم دیگر می شود و اهل بیعت و پیامبران

بر بالین حاضر می شوند و صداهوت جانش را می گیرد ولی اگر اهل ایمان نباشد به سختی

جانش گرفته می شود .

عالم به نطف حرکتی نمونه ای از نشئه فانی است .

هنگام مرگ اگر اهل ایمان و عمل صالح باشد به اندازه ایمانش از کرامت خداوند

به او عنایت می شود و با سردرگاری از این عالم می رود و اگر اهل اعمال نباشد حفته م

مرگ آثار غضب الهی بر او نموداری شود



انسان باید مواظب خود باشد و حالت قلبی خود را الهی کند و به اعمالش هم اعتماد نکند  
و در خلوت از خداوند بخواند محبتش را در دلش بیفتد و محبت غیر خدا را از دلش بیرون کند  
و این خواب بعد از مدتی تفکر و مواظبت محقق می شود.

معنای حب و بغض

- حب الهی یعنی محال الهی ← صفت رحمانیت خداوند است.
- بغض الهی یعنی محال الهی ← صفت قهاریت خداوند است.
- بغض خداوند نسبت به غیر خود ظهور قهاریت و انتقال خداوند است.
- حب خداوند نسبت به عبد خود ظهور رحمت و کرامت خداوند است.

خلاصه درس ۱۱

- اما مطلوب
- ۱) دلی که در آن نفاق و ایمان است.
  - ۲) قلب و اولون و وارونه (دل مشرک)
  - ۳) دلی که مهر سوره و تباریک است (دل منافق)
  - ۴) دلی که نورانی و صاف است ← (دل مومن)
- دلها چهار نوع است

اصلاح قلب ← کوشش برای اصلاح قلب سرمایه سعادت است همه علوم مطلقاً محلی هستند

مبنای تقسیم قلب ← این تقسیمات بین از لب و حرکات معنوی است نه بر حسب فطرت  
خداوند همه را بر فطرت توحید آفریده و شرک و نفاق عرضیت.

انسان تا در این دنیا است می تواند خود را از مرتبه نفاق و مشرک و نفاق نجات  
داده و به درجات تعالی رسد و روحی پیرساند قلب یا ایمان دارد به پیامبر خدا یا نه  
در هر دو صورت یا انظار ایمان می کند یا نه در صورت اول یا ایمان در او مستقر می شود  
یا کاهی ایمان می آورد و گاه بر می گردد و در این حال هم انظار ایمان می کند.

قلب کافی ← معلوس است و در آن خیری نیست .  
 قلبی که خیر و شر در آن مدام درخند هستند که کرام غالب شوند  
 قلب مومن ← مقنوع و روشن است تا قیامت

از نظر امام باقر  
 قلب بر اتم  
 تقسیم شود

حالات قلب مومن

قلب مومن و معنی معنوی او بر راه مستقیم و استوار انسانیت است و خارج از سرشت در حدی  
 خود عمل نمی کند اما سایر قلبها از فطرت الهی و صراط مستقیم کج می شوند .  
 مومن تابع انسان کامل است و انسان کامل چون مظهر اسماء و صفات حق است .  
 در مومن آئین رامان و از تصرف شیطان حفظ کند بر راه مستقیم است .

کفایت شیطان ← از تصرفات خبیثه شیطانی بلیغ آن است که انسان وجهه دل خود را از راه  
 مستقیم کج کند و غیر خدا متوجه سازد و دلش را به انسان بنمایان عوام فریب بسیاری

قلب مدد از فطرت الهی خارج و از فرود مجال منحرف است

قلب  
فرق منافق و قلب مومن

قلب منافق بی نی بنانی با فطرت انسانی دارد تعصب جاهلی دارد اخلاق ناپسند و تکبر جاهلی  
 و حب نفس دارد و البته حق را نمی پذیرد لذا قلبش مطبوع و مقنوع است .  
 قلب مومن از فطرت صاف و اصلی خود خارج نشود و در وجه از حقایق ایمانی و معارف  
 حقه به آن القای سود می پذیرد

قلب مدد ← قلب او متوجه غیر معبود است و آویزگی دارد خضوع صرفاً نسبت به مخلوقات ناقص  
 سن نقص قلب دارد و قلب فارونه  
 قلب کافر ← هیچ دینی ندارد و دل او مکر است و حق را نمی پذیرد  
 در دو قلب معلوس و مطربند